

حمایت عملی کارزار «خیابان: تریبون زندانی سیاسی» از صدای به بندکشیده دختران ایرانشهری...

اخبار سیاسی این روزها تقریباً در قرق کامل اعتراضات خیابانی علیه بی‌آبی بود که ناگهان ظرف ۲۴ ساعت به سمت دیگری چرخید. دختر نوجوانی که به خاطر رقص بازداشت و همچون سردسته یک باند مافیایی جلوی دوربین از او اعتراف‌گیری شد. آن سوی دیگر زنی از دختران خیابان انقلاب که غیباً حکم زندان گرفت. اگر از بدیهیات شروع کنیم، معلوم است که محکوم بودن این بازداشت‌ها و احکام زندان علیه این زنان مفروض‌اند. اما مسأله بر سر پوشش کاملاً نابرابر رسانه‌ای و وزن خبری نامتناسبی است که به ستم‌هایی ده‌ها برابر بدتر به زنان در حاشیه اختصاص داده می‌شود.

چطور می‌شود که فاجعه تجاوز سیستماتیک به ۴۱ دختر ایرانشهری در سیستان و بلوچستان یا اعتراف‌گیری از پریسای نوزده‌ساله بلوچ که تنها جرمش فریاد اعتراض دختران ایرانشهری بوده یک هزارم این حساسیت خبری را بر نمی‌انگیزد، اما در عوض مثلاً حکم غیابی زندان برای زنی از طبقه مرفه پایتخت که نه فقط وکیل با نام و نشان و انبوهی از رسانه‌های بین‌المللی را پشت سرش دارد بلکه حتی در زمان انجام این حجم عظیم تبلیغاتی خود به راحتی ساکن خارج کشور بوده، باید بشود همه اخبار موجود. همین جاست که به این نتیجه می‌رسیم که مبارزه با تبعیض جنسیتی هم در خلأ و بدون نگاهی به تبعیض مضاعف طبقاتی و ستم ملی ممکن نیست.

سه هفته پس از درز خبر تجاوز سیستماتیک به ده‌ها دختر ایرانشهری (که فقط ۴۱ نفر از آنان مستند شده) حکومت هر سنگ و مانعی را که می‌توانست بر سر راه پیگیری این پرونده انداخت. از سر دواندن شاکیان با کاغذبازی اداری در راهروهای دادگاه و پزشکی قانونی گرفته تا تحت تعقیب گذاشتن عامل درز خبر به رسانه‌ها و سپس بازداشت و پرونده‌سازی سنگین علیه نه متجاوزین، که معترضین علیه این تجاوز در مقابل فرمانداری! تازه به همه اینها اضافه کنید مانع خانواده‌های سنتی و محافظه‌کاری که از ترس «لکه ننگ» بعضاً این دختران را تهدید به سکوت کرده‌اند.

اما این به بندکشیدن صدای اعتراض به جنایت علیه دختران ایرانشهری و اعتراف‌گیری‌های اجباری علیه چندین جوان معترض هجده و بیست و اندی ساله بلوچ نمی‌توانست بدون سانسور و بایکوت رسانه‌ای معمول درباره مسائل سیستان و بلوچستان و برچسب همیشگی «تجزیه‌طلبی» محقق شود.

عبدالله بزرگ‌زاده تنها یکی از ده‌ها دختر و پسر جوانی است که در اعتراضات به تجاوز سیستماتیک علیه دختران ایرانشهری بازداشت و در سیاه‌چاله‌های اطلاعات سپاه حبس شده‌بود و اینک هم ویدیوی اعتراف‌گیری از او و دیگر جوانان معترض خیابانی از سوی اطلاعات سپاه بیرون داده شده تا مقدمه‌ای برای صدور احکام سنگین علیه آنان شود.

کارزار «خیابان: تریبون زندانی سیاسی»، با ثبت نمادین چهره و نام این زندانی در خیابانهای تهران به سهم خود تلاش کرد تا با بلندتر کردن صدای عبدالله و دیگر جوانان دربند و در عین حال دختران ایرانشهری، این پیام را به دانشجویان و جوانان معترض بلوچی برساند که تنها نیستند. در عین حال این پیام را هم به رفقای چپ باید داد که هیچ چیز بدتر از آن نیست که رسانه‌های جریان اصلی و جو غالب ما را به دنبال خودشان بکشانند، بلکه باید تریبون بی‌صداترین‌ها در این سرکوب سیستماتیک بود، با فعالیت حمایتی عملی در کف خیابان این فضای بایکوت را شکست و هزینه سرکوب و بگیر و ببندهای رژیم را برایش بیشتر کرد. چنین هدفی بدون همکاری سایر رفقا در ادای این وظیفه ممکن نمی‌شود.

کارزار «خیابان: تریبون زندانی سیاسی» - ۱۹ تیر ۹۷

